

تحفة الابرار فی تفسیر القرآن



«تحفة الابرار فی تفسیر القرآن»، اثر شیخ محمد ملایکه (م ۱۲۰۰ هـ ق) فرزند شیخ محمد تقی فرشته، پسر شیخ محمد جعفر بن شیخ محمد کاظم طالقانی. اصلاً حایری، قزوینی منشاء، برغانی مدفناً. از ائمه تقلید و مجتهدان برجسته مبارز شیعه در عصر خویش بود. حکیم متاله، اصولی محقق. مقدمات علوم عربی و فنون ادب را نزد علمای قزوین فرا گرفت. سپس فقه و اصول و حدیث را در حوزه درس پدرش (م ۱۱۸۶ هـ ق) کسب فیض کرد. پس راهی عتبات مقدسه عراق گردید و در کربلای مقدسه به حوزه درس مدرس الطف سید نصرالله حایری (مستشهد در ۱۱۵۸ هـ ق) و دیگران ملحق گشت و حکمت و فلسفه را از محضر شیخ اسماعیل خواجویی (م ۱۱۷۳ هـ ق) و دیگران بهره مند گشت. با تلاش و پی گیری و درک محضر بزرگان دانش، به مقام عالی اجتهاد رسید و از معاصرین خود پیشی گرفت و نام وی در محافل علمی بر سر زبان ها جاری گشت و علمای والامقام به فضلش اذعان کردند و او شهرت بسیار یافت و سال ها در کربلای مقدسه و نجف اشرف کرسی تدریس و فتوی و رهبری و مرجعیت امور دینی داشت. در سفری که به قصد زیارت امام رضا علیه السلام به ایران آمده بود، در قزوین از او خواستند که در آن شهر بماند و او پذیرفت و در آن جا به تدریس و مرجعیت و زعامت عامه اشتغال یافت. هنگام ریاست وی، در قرن دوازدهم هجری، قزوین مانند دیگر شهرهای شیعه در عراق و ایران، دچار اختلافات «اخباری» و «اصولی» بود و برخوردهای تندی بین این دو مکتب شیعی رخ می داد و شهر در آن زمان به دو قسمت تقسیم شده بود و فاصل بین این دو قسم، رودخانه بازار بود. در

قسمت شرق رودخانه اصولیان و در قسمت غرب اخباریان مستقر بودند. اخباریان قزوین از طرفداران و شاگردان ملاخلیل قزوینی (م ۱۰۸۹ هـ ق) اخباری متعصب معروف بودند^۱. این کشاکش و قال و قیل ها بر طرز تفکر طلاب علوم دینی نیز سایه افکنده بود و طلاب و حتی فضلالی اخباری در عقیده خود متعصب بودند و متجاهر بدان، به حدی که هیچ گاه شخصی از آن ها کتاب های علمای اصولی را بدون دستمال دست نمی زد، مبادا دست خشک او نجس شود^۲. در چنین جوئی، در حدود سال ۱۱۶۵ هـ ق، شیخ یوسف بحرانی نویسنده حدائق (م ۱۱۸۴ هـ ق) شیخ اخباریان در عصر خویش، در طی هجرتش به کربلای مقدسه در سر راه خود وارد قزوین گردید و اخباریان از او استقبال بسیار شایان کردند. شیخ ملا محمد ملایکه به عنوان زعیم علمای قزوین و رهبر اصولیان با نویسنده حدائق دیداری کرد و با وی به مناظره پرداخت و در باب اجتهاد او را مجاب کرد و این برخورد باعث گشت که نویسنده حدائق که از علمای اخباری متعصب و تندرو بود، تغییر عقیده دهد و مشرب اخباری معتدل اختیار کند و این امر، در مؤلفات او پس از این تاریخ، کاملاً مشهود است. این مناظره انعکاس وسیع یافت و از طبقه علما و فضلا به عامه مردم سرایت کرد و ولوله عظیمی در شهر به راه انداخت. در نتیجه اخباریان به منزل شیخ محمد ملایکه هجوم بردند تا او را به قتل برسانند، ولی به وی دسترسی نیافتند و از این رو، خانه و کتابخانه او را آتش زدند. پس از دخالت مأموران دولتی، ملایکه را از قزوین به قریه برغان تبعید کردند^۳. وی سرسلسله خاندان آل برغانی است. در کربلای مقدسه و قزوین که امروزه این طایفه در آن جا به آل صالحی و آل شهیدی شهرت دارند مقیم بود. وی دارای چهار فرزند به نام های شیخ آقا یا ملا آقا و آشیخ محمد تقی، معروف به شهید ثالث (مستشهد در سال ۱۲۶۳ هـ ق) و شیخ محمد صالح برغانی حایری (م ۱۲۷۱ هـ ق) از مفسران معروف شیعی در قرن سیزدهم هجری و شیخ ملا علی برغانی قزوینی (م ۱۲۶۹ هـ ق) نویسنده تفسیر غنائم العارفین^۴ بود که همگی از علمای مشهور امامی هستند. سید حسن امین عاملی در مستدرکات اعیان الشیعه می نویسد: «وکان یلقب بالملائکة لشدّة ورعة و قداسة نفسه و تقواه. تولى التدريس فى كربلاء، ثم هاجر الى قزوین فرأس فیها، وهو الذى ناظر الشيخ یوسف البحرانى صاحب الحدائق المتوفى (سنة ۱۱۸۴ هـ ق) بقزوین بمحضر علماء القریقین فأفحمه و ادى هذا النقاش الى عدول صاحب الحدائق عن رأیه و اصبح من العلماء الاخباریین المعتدلیین بعد ما کان من الاخباریین المتطرفین»^۵. معلم حبیب آبادی در «مکارم الآثار» به نقل از نویسنده قصص العلماء او را از علمای بی نهایت مقدّس و متقی می خواند^۶.

او از خود آثار و مآثری باقی گذاشته است که از جمله آن‌ها ساختن و توسعه دادن مسجد جامع برغان یکی از بزرگ‌ترین مساجد آن سامان است که به طرز هنری و زیبا بنا گشته است و تاریخ توسعه بنا در کتیبه درب شرقی مسجد با خط ثلث زیبا با کاشی در اطراف در ورودی مزین گردیده است. همچنین دارای آثار علمی بسیاری است. از مؤلفات اوست: فقه ملائکه در دوازده جلد به زبان عربی به شیوه استدلالی؛ دایرةالمعارف گونه فقه امامیه از طهارت تا دیات که از منابع مجتهدان بزرگ بوده است.^۷

تفسیر تحفةالابرار: این کتاب در دو جلد بزرگ به زبان عربی شامل تمام قرآن کریم به شیوه کلامی و فلسفی است که از روایات و احادیث نیز در تفسیر آیات سود جسته است. مؤلف، نخست پیشگفتاری نگاشته است. سپس پیش درآمد و یک مقدمه آورده است و بعد به تفسیر استعاذه و بسمله پرداخته است. سپس خصوصیات سوره فاتحه را ذکر کرده. آن‌گاه تفسیر سوره مبارکه «حمد» را آورده است.

این تفسیر از مطالب دقیق و محققانه فلسفی و عرفانی و کلامی و ادبی بسیاری برخوردار است که مفسران کم‌تر بدان توجه داشته‌اند. او ابتکارات خاصی را هنگام تفسیر آیه به کار برده که در تفسیرهای دیگر مشاهده نمی‌شود. مؤلف اساس کار خویش را در این تفسیر بیش‌تر بر سه اصل گذارده است.

۱. قاعده «القرآن یفسر بعضه بعضا». هنگام تفسیر آیه، بسیاری از آیات را به نحو دقیق و گسترده مستند ساخته و اهتمام کامل در ربط آن با آیات قبل و بعد و اسباب نزول و اختلاف قرآت فرموده است. به نقد آن‌ها نیز اهمیت داده و درباره آن‌ها داوری کرده است.

۲. تفسیر او از طریقه اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام است. او برای اثبات نظر خویش، روایات و احادیث بسیاری را مطرح ساخته و با استدلال محکم و استناد به روایات، نظر خویش را در مورد بحث خود به کرسی نشانده است. نیز به شواهد شعری از شعرای صدر اول اسلام و قرون بعد بیش‌تر اعتنا ورزیده و از شعرای عصر جاهلیت کم‌تر بهره گرفته است.

۳. در تفسیر و تأویل بعضی از آیات قرآن کریم که در آن‌ها امکان عنوان کردن مباحث فلسفی و عرفانی و کلامی بوده به طور گسترده وارد بحث‌های فلسفی و کلامی گردیده است و معضلات آن‌ها را با شیوه‌ای ابتکاری و مشرب فلسفی خویش با بیانی روان و روشن، برطرف ساخته است. نیز هنگام تفسیر آیات اعتقادی و آیات مربوط به امامت و فضایل امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام و خاندان عصمت و نبوت علیهم‌السلام اهتمام بسیاری ورزیده و برای اثبات

گفتار خود استدلالات دقیق برهانی اقامه کرده است. مؤلف پس از ذکر آیه به طور مزجی هر قسمت از آیه مبارکه را دوباره یاد می کند و با قطع نظر از دیدگاه های محدود و با در نظر گرفتن تمام جوانب، آیات را بررسی می کند و معانی آن را در سطوح مختلف استخراج می کند و ارائه می دهد. این تفسیر به نظر استاد ما شیخ آقا بزرگ تهرانی نرسیده است و در الذریعة نامی از آن برده نشده و در طبقات اعلام الشیعه هنگام ذکر شرح حال وی به تفسیر الصافی که او برای خود نگاشته بوده، اشارت رفته است که در ظاهر نسخه به خط دیگری آمده است: «هذا تفسیر الصافی للمحدث الفیض مالکة وکاتبه المولی العالم العامل الکامل المقدس المولی محمد»^۸. نیز دایرة المعارف تشیع در مقاله خود تحت عنوان تفسیر و تفاسیر شیعه به اختصار بسیار از این تفسیر یاد کرده است. تاریخ وفات وی به لغزش چاپی، ۱۲۲۰ هـ ذکر شده که صحیح آن ۱۲۰۰ هـ ق است^۹.

آغاز، بعد از بسمله: الحمد لله الذی اشرق نوره الساطع بکتابه العظیم من افق الوحي المبین علی محمد ﷺ خاتم الرسل.

نسخه اصل منحصر به فرد به خط مؤلف از مخطوطات کتابخانه حفید مفسر آیت الله شیخ ملا محمد شهیدی در برغان موجود است.

عبدالحسین شهیدی صالحی

۱. دایرة المعارف تشیع، ۳/ ۱۸۲- ۱۸۳، تهران، چاپ اول، سال نشر ۱۳۷۱ هـ ش.
۲. دایرة المعارف الاسلامیة الشیعیة: سیدحسن امین، ۵/ ۲۷۰- ۲۷۱، بیروت، چاپ اول ۱۴۱۰ هـ / ۱۹۹۰ م، ماده «قرزین».
۳. دایرة المعارف تشیع، ۳/ ۱۸۲- ۱۸۳، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۱ هـ ش؛ دایرة المعارف الاسلامیة الشیعیة، ۵/ ۲۷۰- ۲۷۱، ماده «قرزین»، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۰ هـ / ۱۹۹۰ م.
۴. مجله بیانات، سال دوم، شماره ششم، ص ۱۸۰- ۱۸۳.
۵. مستدرکات اعیان الشیعه، سید حسن امین، ۲/ ۲۸۶؛ بیروت دارالتعارف، ۱۴۰۹ ق / ۱۹۸۹ م.
۶. مکارم الآثار، میرزا محمد علی معلم حبیب آبادی، ۵/ ۱۷۰۷؛ اصفهان اداره کل فرهنگ و هنر.
۷. مجله حوزه، شماره ۶۶، بهمن و اسفند ۱۳۷۳ ش، ص ۱۷۵- ۱۷۶.
۸. الکوکب المنتشرة، ص ۷۰، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۲ ش.
۹. دایرة المعارف تشیع، ۴/ ۵۵۱، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۳ ش.